



۲۰۱۵/۱۱/۱۴

ف، هیرمند

نکات مختصر در باره حق مالکیت معنوی

و عواقب تخطی از آن

گسترش غیر قابل تصور رسانه های دیجیتالی، تصویری، صوتی و چاپی، زمینه تالیف، ایجاد، اختراع و تولید وسیع محصولات روشنفکرانه و اندیشه یی را فراهم ساخته است، این محصولات، ماحصل کار ها و تلاش های شباروزی مولدان و ایجادگران آن می باشند که بخشی از این محصولات معنوی توسط اشخاص غیر مسلکی و محققان غیر متخصص تالیف و ایجاد میگردد و قسمت زیاد این چنین محصولات، مجانی و قابل دسترسی رایگان به همه می باشند، بخش دیگر این محصولات، که غالباً توسط متخصصین و اهل سلک تالیف و ایجاد می شوند، قسماً و یا کلاً مجانی نه خواهند بود. بنابراین استفاده از هر دو گونه محصولات معنوی نامبرده، بدون اجازه و رعایت حقوق قانونی مؤلف و رعایت قواعد کاپی رایت مجاز نمی باشد، زیرا تخلیق و ایجاد محصول مورد بحث توسط یک اهل سلک، صرف جهت افتخار آرمان های علمی و اجتماعی موصوف نبوده بلکه وسیله تأمین میشتت مذکور نیز است، که برای تولید محصول معنوی مذکور وقت، انرژی، دانش، تخصص و سایر امکانات مادی و معنوی خود را صرف نموده می باشد. لذا

- محصول و اثر شخص دیگری را به نام خود و یا کدام شخص ثالث به نشر سپردن و ثبت کردن.
- دسترسی و استفاده غیر میعاری از چنین آثار
- اخذ و گرفتن قسمت و یا تمام این محصولات و آنرا بدون طرق مجاز بودن قانونی آن به کار بردن
- تصرف، تعدیل و تغییر مالکانه و خود سرانه در آن
- فروش این محصولات بدون رعایت روش های قانونی و مشروع این عرصه، و از عرضه و نشر غیر مجاز آن منتفع گردیدن و سایر انواع کاربرد چنین آثار بدون اجازه و رعایت روش های مجاز و قانونی، تخطی از رعایت حق مالکیت معنوی بوده و نه تنها بر اساس قوانین تمام کشور ها جرم شناخته می شود بلکه بر اساس اصل مسؤولیت مدنی، مرتکب این تخطی مکلف به جبران خساره به مالک محصول نیز بوده، ناگزیر به پرداخت وجوهی خواهد بود که صاحب محصول به سبب تخطی، متحمل چنین خساره ای شده باشد. با ذکر این مختصر می بینیم که حق مالکیت معنوی چگونه حقی است و عرصه های معمول و وسیع نقض آن کدام ها خواهند بود.
- البته نه همه، شاید عده ای محدودی از نگارندگان محترم آثار نوشتاری، به این امر چندان توجه نداشته باشند، که وقتی جهت تکمیل و مستند نمودن نگارش های شان به تالیف کدام مؤلف مراجعه میکنند، باید به شرایط عمومی و گاهی

اختصاصی مؤلف که در زمینه همجو استفاده ای از تألیفش گذاشته است، توجه کرده و با رعایت آن شرایط از آن تألیف استفاده بنمایند، چرا که رعایت این اصل در حقیقت تأیید و قبول حق مالکیت معنوی مؤلف را تحقق می بخشد و اگر نه ما حالا در هرج و مرج داشته های معنوی نویسندگان و محققان قرار میداشتیم و معلوم نمی بود که چه کسی کدام اثر نوشتاری علمی و ادبی را پدید آورده است و ده ها مشکل دیگر.

چون سر و کار وبسایت های انترنتی بیشتر با تألیفات نوشتاری علمی، ادبی و هنری میباشد، بناءً در این مختصر نگاه عمده نگارنده، در رابطه به همین آثار خواهد بود.

حقوق معنوی عبارت از حقوقی است که مولد و ایجادگر یک محصول معنوی بر اثر تولید شده اش دارد، این حقوق شامل حق تولید، حق سپردن امتیاز نشر اثرش، تصرف، تعدیل، اهداء، فروش انتشار اثر، حق بدون تردید مسمی شدن اثر به اسم مولد و مؤلف آن و سایر حقوقی میگردد که یک مالک بر ملکیت خود دارد، انتقال این حقوق اصولاً رواج ندارد هر گونه دسترسی شخصیت حقوقی دیگر (اعم از حقیقی و حکمی) به آن بدون موافقت قانونی و مجاز مولد اصلی مجاز شمرده نمی شود.

در این جا لازم است فرق میان اصول "کاپی رایت" و "حقوق مؤلف" را توضیح نمود؛ گرچه اصطلاحات "کاپی رایت" و "حقوق مؤلف" را غالباً به یک موضوع و متن به کار می برند، اما بعضاً دانشمندان و متخصصین میان این دو اصطلاح تفاوتی را مشخص کرده اند و آن اینکه اصول کاپی رایت ناظر بر اثر و تألیف بوده و حقوق مربوط به اثر، علمی، تحقیقی، ادبی- هنری را بیشتر احتواء میکند که ؛ محصول چگونه و توسط چه کسی به نشر میرسد، سرقت نمی شود، مورد تصرف قرار نمی گیرد به صورت غیر مجاز به نشر که نمی رسد و نسخه برداری و یا تجدید چاپ و نشر که به طور مجاز و قانونی صورت می پذیرد و.. این ها موارد متعلق به کاپی رایت می شوند، کاپی رایت در واقع ظرف حقوقی، مالکیت معنوی خواهد بود در حالیکه حقوق مؤلف مظروف این ظرف تشخیص خواهد شد

حقوق مؤلف ناظر بر تمام حقوق پدیدآورنده اثر است، رابطه دائمی و غیر قابل انفکاک مؤلف و اثر وی و این که تألیف اثر و نام و حضور هویت و شخصیت ایجادگر اثر در کنار محصول باشد و هرگز تعلق محصول و ایجادگر آن تحت شعاع هیچ امر دیگری قرار نه گیرد و تمام حقوق و وجائب ناشی از رابطه تألیف و مؤلف به ایجادگر محصول یا اثر متعلق باشد، این ها موضوعات مورد علاقه حقوق مؤلف اند.

نظام حقوق مالکیت معنوی انگلیسی و امریکایی بیشتر متمایل به اصول کاپی رایت اند، یعنی توجه عمده نظام "کامن لاء" و نظام امریکایی به منفعت های اقتصادی و پولی ناشی از محصولات معنوی، که کاپی رایت به آن دلچسپی نشان میدهد، معطوف است، در این معنی محصول معنوی بیشتر "شی" تجارتي و بازار را به خود میگیرد و چنین محصولات همانند تولیدات تجارتي معامله و تنظیم می شوند، تمایل کاپی رایت بیشتر به رابطه "مالکانه" مؤلف با اثرش می نگرد و در این رابطه در جستجوی منفعت آوری تطبیق اصول کاپی رایت بر مؤلف و اثرش است.

در حالیکه نظام حقوقی اروپای بری (رومن و جرمنیک) توجه به حقوق مؤلف و شخصیت او و سایر پیامد های ارزشی و معنوی محصول را از خود نشان میدهد. حقوق مؤلف که چشم انداز نظام اروپای بری است، بیشتر شخصیت گرا و ارزشگرا بوده و هدف آن حمایت حق - شامل حق ارزشی و حق مادی - مؤلف می باشد.

جرایم و تخطی های که در این حوزه یعنی حوزه رعایت دساتیر کاپی رایت و حقوق مؤلف معمول می باشد، شامل سرقت اثر نوشتاری اعم از نظم و نثر است؛ اثر مورد نظر از مؤلف دیگری می باشد ولی "سارق" آنرا به طور کامل به اسم خود و یا عمداً به اسم شخص دیگری قلمداد میکند و ثمرات مادی و معنوی آن اثر را به خود و یا شخص دیگری منتسب می سازد.

نوع دیگر سرقت آن است که محصول معنوی کسی، با تغییر اسم و عنوان و یا با تغییر شکلی تألیف، بر علیه یک ملکیت معنوی ارتکاب می یابد و یا اثر به طور دزدانه و بدون موافقت مؤلف توسط شخص و یا یک موسسه انتشاراتی به نشر میرسد و یا بدون موافقت مؤلف تجدید چاپ میگردد و خلاف اراده مؤلف در نشر آن قواعد مربوط رعایت نمی شود.

در اینجا لازم است، فرق اقتباس و تغییر حیلۀ گرانه اثر را که به نیت دزدی اثر می باشد، توضیح نمود؛ اگر اقتباس برای مستند سازی، تکمیل و وضاحت یک مطلب، از یک تألیف شخص دیگری با تذکر منبعه و یادآوری نام مؤلف اصلی (در صورتیکه مؤلف اصلی، در معرفی تألیفش شرایط معینی را مطرح نکرده باشد) صورت گیرد، این نوع اقتباس مجاز، معمول و مشروع است که قطعاً ماهیت تخطی از حقوق کاپی رایت را ندارد.

یک نوع دیگر اقتباس گونه ای اثر می تواند، به عمل بیاید که تشخیص تخطی آن، از دساتیر کاپی رایت، مورد به مورد قابل تشخیص است، آن روش آمیختن و امتزاج یک اثر با یک محصول دیگر خواهد بود که چنان باعث اختلاط اثر اصلی اقتباس شده گردد که بخش عمده و اصلی تألیف مخلوط شده را اثر اولی یا منبعه اقتباس تشکیل دهد، چنین رویه ای در غالب حالات تخطی محسوب میگردد.

نوع دیگر تخطی از حقوق مؤلف تصرفات مالکانه در اثر شخص دیگر است؛ تصرفات مالکانه شامل تحریف یک اثر بوده می تواند، تحریف مفاهیم شامل اثر، منجمله تعویض و تبدیل جملات، کلمات و تغییر ساختار شکلی اثر که باعث انحطاط و کاهش ارزش و معنی اثر شود و سبب قطع انتقال مفاهیم اساسی و مندرج در اثر به مخاطب گردد و باعث آن شود که پیام مؤلف و یا آنچه را که مؤلف می خواهد، به مخاطب او نه رسد، این اعمال نیز ارتکاب فعل تصرف در تألیف را بازگو میکند. بدون شک "تبصره"، "تفسیر"، "تعبیر"، "تاویل" و سایر مباحثی که به روشنی یا به هدف توضیح یک اثر و یا به نیت نقد یک تألیف صورت می پذیرد، در ردیف تصرف مالکانه محسوب نمی شوند، زیرا که این روش ها در اصل اثر تصرف و دست اندازی نمیکند بلکه با حفظ اصالت اثر به تحلیل آن همت می گمارند. که در صورت تعابیر و تفاسیر غلط و نابجا، مؤلف اصلی می تواند در دفاع از اثر خود بپردازد.

محوه کردن و تلف نمودن یک ملکیت معنوی و یا عمداً به آن صدماتی وارد نمودن که باعث، زائل شدن مقصد اصلی تألیف و اثر شود، نیز در زمره جرائم بر علیه ملکیت معنوی می باشد. قابل تذکر است که تخلفات بر علیه حق ملکیت معنوی به اشکال و صور متنوع و مختلف رخ میدهد که تثبیت مجرمیت آن و اینکه در کدام یک از دسته های تخلفات ضد حق ملکیت معنوی دسته بندی می شود، واقعاً بدون آگاهی های تخصصی و فنی کارمند مربوط، کار آسانی نمی باشد. بلکه طوریکه بعداً خواهیم دید، شخص متضرر از تخلفات ضد مالکیت معنوی به اثبات متضرر شدن خود خواهد پرداخت.

واضح گردد که اصول و احکام کاپی رایت بر مسالک جانبی (حقوق جانبی) نیز قابل تطبیق و اجراست؛ این مسالک جانبی شامل ناشران، چاپ کنندگان، ثبت کنندگان نوشتاری، صوتی، تصویری، بازیگران آثار هنری، ایفا کنندگان نقش های معین در آثار با حرکات فزیک و... می باشند، مخصوصاً تجاوز بر حقوق انحصاری چاپ آثار نوشتاری که یک حوزه ای از کار و زار و تکثیر تألیفات نوشتاری و تصویری است، خیلی با اهمیت بوده و نقض و تجاوز به حقوق ناشر مربوط باعث دعوی دردناک قضایی شده می تواند زیرا در این عرصه موسسات چاپ کننده مبالغ هنگفتی را سرمایه گذاری میکنند، تخلفات چاپ های دزدانه و غیر قانونی، تکثیر نامتعارف و غیر قانونی آثار ادبی، تحقیقی و هنری، چاپ بدون اطلاع و موافقه پدید آورنده اثر، چاپ و نشر خلاف سلیقه و رضایت مالک اثر و... از جمله تخلفات معمول و شناخته شده این نوع افعال می باشند که در صورت وقوع فعل، دساتیر احکام کاپی رایت بر آنها تطبیق می شود.

البته ممکن است، انواع تخلفات دیگری در این گروه از جرائم یعنی جرائم بر علیه حق مالکیت معنوی موجود باشند و یا اتفاق بی افتند که در این جا از آنها تذکری به عمل نیامده باشد، این امر خیلی عادی خواهد بود زیرا مخصوصاً در دنیای مجازی یا دیجیتالی، تجاوزات خیلی تازه، نادر و بکر به این حقوق به عمل می آید که در گذشته بی سابقه بوده است، بحث بر جرائم در دنیای مجازی مبحث وسیع دیگری است که تتبع و تحقیق پیرامون آن ایجاب پژوهش جداگانه را می نماید.

در کشور ما افغانستان تا حال در قانون اساسی و در بسیاری از قوانین "ارگانیک" که در این عرصه وضع و نافذ شده است، از حق مالکیت معنوی و حق مؤلف و اصول کاپی رایت تذکر رفته و به رعایت آن اساس قانونی داده شده است، مطالعه محتوای این قوانین نشان میدهد که نظام حاکم بر حمایت حق مالکیت معنوی در وطن ما به "حق مؤلف" نزدیکتر می باشد و بیشتر به حقوق مؤلف متمایل است.

ماده ۴۷ قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲ ه ش) مشعر است: «دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرام های مؤثر طرح می نماید.

دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت میکند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد.»

متن این ماده صراحت کامل دارد مبنی بر اینکه دیدگاه قانون اساسی ما، هدف حمایت حق مؤلف را در گام نخست در نظر داشته است.

در سایر موارد مربوط به اصول کاپی رایت در قوانین دیگر دساتیری گنجانیده شده است که در ذیل از آنها تذکر به عمل می آید:

ماده ۴۹۱ قانون مدنی (۱۳۵۵ ه ش) کشور ما از حقوق معنوی چنین یاد کرده است: «حقوق معنوی بر شی غیر مادی وارد میگردد، تابع احکام قوانین خاص می باشد.»

این ماده با وجود مفهوم عام و ساده آن، حاکی از تسجیل حقوق معنوی، اتباع است، حقوقی که قابل ادعا، اعاده، دفاع و جبران می باشد.

قانون رسانه های همگانی (۱۳۸۸ ه ش) در ماده سوم، فقره ۱۴ خود متذکر شده است که: «حق نسخه برداری (کاپی رایت) داشتن حق مالکیت معنوی و امتیاز انتشارات ثبت شده است که در مطابقت با معیار های قبول شده توسط قانون جداگانه تنظیم می شود.»

قانون دیگری که در موضوع حق مالکیت معنوی نافذ است قانون "حمایت حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت)" می باشد که در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی وضع و نافذ شده است و احتمالاً همان قانونی خواهد بود که مورد نظر ماده سوم قانون رسانه های همگانی بوده است. این قانون به سبب مواد خیلی غنی و مسلکی که دارد، ممکن یکی از بهترین قوانین وضع شده در دوران نهضت قانون گذاری فعلی محسوب گردد، که دارای هفت فصل و ۴۹ ماده می باشد و تقریباً تمام ابعاد حقوق مالکیت معنوی، حق مؤلف و دساتیر کاپی رایت را در خود گرد آورده است. در ماده سوم فقره ۱۵ این قانون از مالک حق ملکیت معنوی تعریفی می دهد بدین شرح: «مالک: شخص حقیقی و یا حکمی است که دارنده حقوق انحصاری مندرج این قانون می باشد.» .

به دنبال آن در ماده نهم "حقوق پدیدآورنده را چنین تعریف می دهد که: «پدیدآورنده دارای حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر خود می باشد.» .

فقره (۱) ماده یازدهم ایضاً می دارد که: «حقوق معنوی اثر منحصر به پدیدآورنده بوده قابل انتقال نمی باشد.»

در فقره (۲) همان ماده توضیح شده است که: «پدیدآورنده دارای حقوق معنوی ذیل می باشد:

۱- ذکر یا عدم ذکر نام یا نام مستعار در اثر

۲- منع هر نوع استفاده از اثر که منافی حیثیت و اعتبار آن گردد

۳- اعتراض بر هر نوع تحریف، تغییر شکل یا تصرف در اثر»

حقوق معنوی شامل حق اساسی ملکیت معنوی است که اثر پدیدآمده صرف و فقط به نام پدیدآورنده آن تعلق دارد و تمام افتخارات معنوی، ناشی از محصول معنوی به صورت تمام عمر به پدیدآورنده متعلق می باشد، اگر پدیدآورنده وفات نموده باشد، جوایز مادی و معنوی آن به اسم خود وی و به ورثه قانونی او تحویل داده می شود.

و در فقره (۳) همان ماده می خوانیم که: «هر گاه کارگر حین اجرای وظیفه با استفاده از تسهیلات کارفرما، اثری را ایجاد نماید این اثر به کارفرما نسبت داده شده و متعلق به وی میگردد، مگر اینکه در مورد، طور دیگر موافقه شده باشد.»

ماده پانزدهم در فقره ۲۰ خود مشعر است که: «موسسه نشراتی: شخصیت حکمی دارنده جواز فعالیت است که به اساس آن امتیاز پخش، نشر، تکثیر، اجرا یا نمایش اثر را به نیابت از مالک آن حایز می باشد.» و بعد در فقره ۲۱ همین ماده می خوانیم: «حقوق جانبی: حقوقی است که نمایش، تهیه کنندگان، فونوگرام ها و موسسات نشراتی را مورد حمایت قرار میدهد.»

تجاوز به حقوق مؤلف و نقض اصول کاپی رایت، در تمام دنیا جرم شناخته شده و متکی به همین اصل در قوانین کشور ما هم تعرض به حقوق پدیدآورنده وزیر پا کردن احکام قانونی این حوزه جرم معرفی گردیده و بر هر یک از جرایم مربوط مجازات های تعیین گریده است.

در قانون جزای افغانستان (۱۳۵۵ ه ش) در فصل بیست و سوم خود تحت عنوان " تجاوز بر حقوق ملکیت معنوی" ماده ای در باره جرایم و تخلفات حق ملکیت معنوی، کاپی رایت و حقوق مؤلف گنجانیده شده است، متن ماده چنین است: « شخصی که بر یک حق از حقوق ملکیت معنوی غیر که آن را قانون یا معاهده بین المللی ای که افغانستان به آن الحاق نموده حمایه کرده باشد، تجاوز نماید، به جزای نقدیکه از دوازده هزار افغانی تجاوز نه کند محکوم میگردد مگر اینکه قانون خاص به جزای شدیدتری حکم کرده باشد.» این ماده گوشه دیگر مطلب را روشن می سازد که احتمال دارد دستبرد از اثر معنوی یک شخص خارجی صورت بپذیرد، قربانی خارجی می تواند بر علیه متخلف کشور ما دعوی نماید و یا برعکس آن یک متخلف خارجی تألیف یک هموطن ما را بدزد.

ولی "قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف ... " یک فصل کامل و دارای اجزای خیلی دقیق در باره مجازات ها و نوع کاربرد آن را زیر نام " احکام تأدیبی" در خود دارد که نوع تخلفات و مجازات های مربوط را مشخص ساخته است. قبل از ذکر خلص نکات اساسی و برجسته فصل متذکره این مطلب قابل یاددهانی است که براساس متن مواد ششم، هفتم و هشتم "قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف..." از حمایت این قانون تنها همان آثاری بهره مند می شوند که بر اساس "تصدیقنامه" در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت شده، وجه ثبت اثر را پرداخته و تصدیقنامه اصولی را بدست داشته باشند، فقط در این صورت است که اثر مربوط و مؤلف وی از حمایت احکام قانون "حمایت حقوق مؤلف، مصنف..." مستفید خواهند گردید، آثاری که قبل از انفاذ این قانون به نشر رسیده اند، نیز از حمایت قانونی برخوردار خواهند شد. ولی آثاری که مغایر مندرجات و احکام این قانون باشد و یا بخش های از آن آثار و بعضی از پراگراف های اش با این قانون در تناقض باشد، حمایت این قانون را از دست خواهد داد.

بر طبق ماده ۲۹ قانون نامبرده، دعوی مربوط به تخلفات نقض حقوق مالکیت معنوی، حق مؤلف و کاپی رایت، متکی بر عرض و شکایت متضرر در محکمه آغاز گردیده و به دوران می افتد به همین جهت است که بر اساس اصل حقوق مدنی وظیفه اثبات ادعا بردوش مدعی متضرر می باشد، محکمه بعد از رسیدگی در صورت اثبات جرم، به اساس فقرات مختلف مواد ۲۹ و ۳۰ همان قانون می تواند به صدور احکام ذیل اقدام کند

- ۱- حکم جلوگیری و توقف تخلفات .
- ۲- ضبط نسخه ها یا اجزای مربوط به آن که در آنها تخلف صورت گرفته است.
- ۳- ضبط وسایل استفاده شده برای تخلف و وسایلی که برای تولید مجدد غیر قانونی اثر کار گرفته شده است.
- ۴- حکم مبنی بر جبران خساره عادلانه.
- ۵- ضبط عواید ناشی از تخلف.
- ۶- حکم از بین بردن کاپی های تقلیدی خارج معیار های تجارتي یا کاپی های جعلی و بارجامه های آنها.
- ۷- حکم مصادره و مسدود ساختن مؤسسه نشراتی.

بر اساس احکام این قانون، اعمال ذیل الی یک سال قید را در قبال دارد:

- ۱- تولید و توزیع ابزار و وسایلی که باعث جلوگیری از تولید مجاز مجدد یک اثر گردد و یا هدف آن تضعیف کیفیت اثر باشد.

۲- تولید و توریید و سابللی که باعث انتقال غیر معمول و نامجاز یک برنامه و یا اثر به مردم و یا اشخاصی گردد که مستحق دریافت آن نمی باشند.

۳- پخش، حذف و یا تغییر هر نوع معلومات الکترونیکی بدون داشتن اجازه نامه پدید آورنده آن.

این قانون، مجازات های معین دیگری را نیز پیش بینی و تعیین نموده است؛ در ماده سی و یکم آن آمده است که: «شخصی که در موعد مندرج ماده نوزدهم این قانون بدون موافقه کتبی مالک اثر به طبع و نشر آن به هر وسیله و یا روش اقدام نماید حسب احوال به حبس الی یک سال یا جریمه نقدی که از پنجاه هزار افغانی کمتر و از یکصد هزار افغانی بیشتر نباشد و یا به هر دو جزا محکوم میگردد.»

در جای از قانون آمده است که مجازات های مندرج مواد ۳۰، ۳۱، و ۳۵ این قانون بر شخصیت های "حقوق جانی" (شامل ناشر، موسسه انتشاراتی، کارگردان فلم و تیاتر، هنرپیشه ها و ...) نیز قابل تطبیق می باشد. در ماده سی و پنجم به محکمه صلاحیت داده شده است که در صورت تکرار تخلف، جزا های مندرج ماده ۳۱ را دوچند حکم نماید.

ماده سی و هفتم میگوید که: پدید آورنده، حق انحصاری طبع و نشر مراسلات خویش را دارا می باشد، در صورتیکه طبع و نشر آن به ضرر دریافت کننده باشد، پدیدآورنده نمی تواند بدون اجازه وی از این حق استفاده کند. در بالا سعی به عمل آمده است تا به طور خلص حقوق مالکیت معنوی و حول و حوش عمده آن معرفی شود. در نتیجه حقوق مالکیت معنوی که از یک جهت محافظ عمده ترین ارزش های فرهنگی و مدنی یک گروه انسانی و یک ملت محسوب می شود، ارزش های که در قالب آثار علمی، فرهنگی و هنری نسل اندر نسل انتقال می یابند و به نحوی عناصر هویتی و تشخص آن انسان ها را با خود به نسل های دور می برند، آثاری که می باید انعکاس حقایق اصیل و مثبت انسان ها باشند، حقایقی که در جای دیگر در اثر دیگر در پرداخت علمی و فرهنگی دیگر دستیاب شده نمی تواند، حقایقی که با احساس های خیلی ظریف یک انسان چیده و ریخته میگردند، و با بیان خیلی شخصی و منحصر به فرد انسان پدیدآورنده تصویر می شود، شیوه بیانی که زبان ناگفتنی ترین خصایل ادراک و روان پدیدآورنده است، این حقایق علمی و فرهنگی با آن گفته می شود، ثبت می شود و برای آدم ها عرضه میگردند، و آدم ها با آن از تراوش ها و محصولات ملکیت معنوی یک پدیدآورنده بهره مند میگردند، و این محصولات روزی در مدرج باارزشتترین و نابترین حاصل کار انسان اخذ موقعیت خواهند نمود و شاید زمانی هم کلید حل درد های پنهان و آشکار انسان را در این آثار در یافت کرد.

و اما پدیدآورنده یا مولد که اثرش را با تنفس هر نفس و دادن جان معنی به کلمه، جان خود را در هر نفس کشیدنش به محصول کار خود می دماند، بهای اثر او برایش برابر بهای جان او خواهد بود و حصه ای از زندگی و مفهوم زندگی او محسوب خواهد گردید، که برای اثر خود حتی اسم "ملکیت معنوی" را نیز کافی نخواهد دانست، این اثر او برایش تعریف زنده بودن او خواهد گردید، مفهوم زندگی اش شمرده خواهد شد .

دزدیدن، مراعات نکردن اصول نسخه برداری و یا کاپی رایت و نقض و زیر پا نمودن حقوق مؤلف هم ضربات تباه کننده به ارزش های وارد میکند که جامعه ضرر آنرا متحمل می شود و هم پدیدآورنده اثر را زخم های می زند که

دنیای معنوی و درونی وی را در هم میریزد و نیز دارایی معنوی او را مادناً و هم به صورت معنوی صدماتی وارد میکند که گاهی این صدمات جبران ناپذیر می باشند.

استفاده نامجاز و غیر معیاری برای مرتکبان نقض اصول حقوق مؤلف، به اضافه ارتکاب یک عمل جرمی، نقائص بی شمار دیگر را نیز به دنبال خواهد داشت، مرتکب را به تنبلی و تحجر اندیشه مصاب خواهد نمود، چنین کاربری دیگر حوصله تتبع و تحقیق را از دست خواهد داد، دیگر استعداد و قابلیت تحلیل، تدقیق، ارزیابی و سنجش و مقایسه و نتیجه گیری در او زائل خواهد گشت و او به یک ماشین بسته کار و "مونتاز گر" مبدل خواهد شد که فقط صفحات و پراگراف های تألیفات دیگران را پهلوی هم بچسپاند و این شیوه او به زودی برای مخاطبانش تشخیص و رسوا خواهد شد و موصوف هرگز رشدی را نصیب نخواهد گردید و در همان گام نخست بی معیاری، نقض حقوق دیگران، معتاد به تعرض به اصول و نظام مربوط خواهد گشت.

پایان

مأخذ:

۱- LA PROTECTION PAR LE DROIT D'AUTEUR

- ۲ - قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان
- ۳ - قانون مدنی ۱۳۵۵ افغانستان
- ۴ - قانون رسانه های همگانی ۱۳۸۸
- ۵ - قانون جزای افغانستان ۱۳۵۵
- ۶ - قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند، محقق (کاپی رایت) سال ۱۳۸۷
- ۷ - درآمدی بر حقوق ملکیت معنوی از پوهاند داد محمد نذیر
- ۸ - یادداشت های از متون مختلف مرتبط به این موضوع